

«نگرانی‌های مشترک بشری»: از پدیداری تا تکامل در حقوق بین‌الملل محیط زیست

شیما عرب اسدی^{۱*}، امیرحسین رنجبریان^۲

چکیده

مفهوم «نگرانی‌های مشترک بشری» از دهه ۱۹۹۰ میلادی در حوزه حقوق بین‌الملل محیط زیست پدیدار شد و هدف از طرح آن یافتن راهی برای رویارویی با مشکلات زیست‌محیطی جهانی و همچنین پاسخگویی به اختلافات برخاسته از مفهوم «میراث مشترک بشریت» میان دولت‌ها بود. سپس این مفهوم از زمینه‌های اصلی خود همچون تنوع زیستی و تغییر اقلیم، فراتر رفت و مصداق‌های دیگری از این‌گونه نگرانی‌های مشترک مطرح شدند. در این نوشتار، ضمن شناخت ابعاد و عناصر نگرانی‌های مشترک بشری، جایگاه این مفهوم در حقوق بین‌الملل، به‌ویژه در کالبد اصول اساسی حقوق بین‌الملل محیط زیست و تعهدات جامعه بین‌المللی در کل بررسی می‌شود.

کلیدواژگان

جامعه بین‌المللی، منافع مشترک، میراث مشترک بشریت، محیط زیست جهانی، نگرانی‌های مشترک بشری، نگرانی‌های مشترک، همکاری‌های بین‌المللی.

۱. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: sh.arabadi@umz.ac.ir

۲. دانشیار، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Email: aranjbar@ut.ac.ir

مقدمه

اغلب حقوق بین‌الملل را به حقوق حاکم بر روابط میان دولت‌ها تعریف می‌کنند؛ روابطی که به‌طور کلی بر پایه اصل حاکمیت دولت‌ها شکل می‌گیرند. به‌طور خلاصه به‌نظر می‌رسد با چنین نگرش سنتی‌ای به حقوق بین‌الملل، مدیریت مسائل و تحولات بین‌المللی جدید برخاسته از منافع مشترک جهانی، از جمله صلح و امنیت بین‌المللی، شناسایی و حمایت بین‌المللی از حقوق بشر و همچنین حفاظت از محیط زیست ناممکن خواهد بود. در واقع بایسته‌های زیست بین‌المللی جدید ایجاب می‌کرد تا حقوق بین‌الملل با بهره‌گیری از ابزارهای حقوقی تازه‌تر نسبت به گذشته، از جمله برای حفاظت از پایداری طبیعی و انسانی جهان، چشم‌انداز تازه‌ای را درباره مسائل دارای پیوند با منافع مشترک جهانی به نمایش بگذارد.

برای ایستادگی در برابر سیر شتابان نابودی محیط زیست در گوشه و کنار جهان و حفاظت از منابع طبیعی، گونه‌های گیاهی و جانوری و جز آنها، نیاز به همکاری همه دولت‌ها و سایر بازیگران بین‌المللی است. از این‌رو، در حقوق بین‌الملل محیط زیست آرام‌آرام دکترین‌های حقوقی برای حفاظت از این مشترکات جهانی پدید آمدند. بازتاب این تحول و تکامل در راستای حفاظت از منابع و عرصه‌های مشترک زیست‌محیطی بین‌المللی را می‌توان در قالب مفاهیمی مانند «منافع مشترک»، «میراث مشترک بشریت» و «نگرانی‌های مشترک بشری» بازجست که هر یک بنابر مقتضای خویش در صیانت جهانی از محیط زیست نقش آفرین بوده‌اند.

مفهوم «نگرانی‌های مشترک بشری»، که از تازه‌ترین تحولات در این عرصه به‌شمار می‌آید، نزدیک به دو دهه قبل، در مقدمه دو کنوانسیون ساختاری ملل متحد در خصوص تغییر اقلیم^۱ و کنوانسیون تنوع زیستی^۲ ظاهر شد؛ و اخیراً نیز در مقدمه موافقت‌نامه مورخ ۱۲ دسامبر ۲۰۱۵ پاریس ناظر بر موضوع تغییر اقلیم^۳ مورد تأکید مجدد قرار گرفت. این مفهوم به‌منظور رفع اختلاف میان دولت‌های توسعه‌یافته و در حال توسعه بر سر نظام تقسیم منافع حاصل از میراث مشترک و تسریع در حل مشکلات زیست‌محیطی جهانی که بقای نسل بشر را در معرض مخاطره قرار می‌دهد، ظهور یافت. در واقع، این مفهوم به ایجاد نظام حقوقی‌ای که قواعد آن تکالیفی را بر دوش جامعه بین‌المللی در کل و همچنین بر دوش تک‌تک اعضای این جامعه می‌گذارد، انجامیده است. بدین ترتیب که نگرانی‌های مشترک، در عوض تقسیم منافع حاصل از استخراج منابع مشترک زیست‌محیطی، بر مبنای تقسیم عادلانه بار مسئولیت در حفاظت از محیط زیست پایه‌ریزی شده است.

1. *United Nations Framework Convention on Climate Change*, 31 I.L.M. 849, 851 (9 May 1992).

2. *Convention on Biological Diversity*, 31 I.L.M. 818, 822 (5 June 1992).

3. *Paris Agreement*, twenty-first session of the Conference of the Parties to the United Nations Framework Convention on Climate Change (12 December 2015).

حقوقدانان بین‌المللی نیز به تبیین مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری در حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل محیط زیست و همچنین تعیین مسیر پیش روی این مفهوم، علاقه نشان داده‌اند.^۱ به‌رغم حساسیت و ماهیت خطیر نگرانی‌های مشترک بشری و ضرورت تحلیل این مفهوم، به‌نظر در نوشته‌های فارسی آن‌گونه که باید بدان پرداخته نشده و بررسی‌ها، بیشتر حول محور «میراث مشترک بشریت» متمرکز بوده است.^۲ در این نوشتار نخست به چرایی و چگونگی پدیداری مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری و مقایسه آن با سایر مفاهیم متناظر؛ و سپس ارزیابی جایگاه این مفهوم در پهنه حقوق بین‌الملل (محیط زیست) می‌پردازیم.

حمایت جهانی از محیط زیست به مثابه منافع مشترک جامعه بین‌المللی

در حقوق بین‌الملل کنونی، می‌توان از تعهداتی سخن گفت که تمام بازیگران بین‌المللی در رعایت آن هم‌سود به‌نظر می‌آیند و همگان برای این تعهدات ارزش و اعتبار مشترک و جهانی قائل‌اند (Brown Weiss, 2014: 10-11). در این زمینه، حقوق‌دان مشهور سیما می‌گوید این‌گونه منافع مشترک از شناسایی برخی مشکلات وابسته به یکدیگر ریشه می‌گیرند که نمی‌توان حل آنها را تنها به اراده آزاد دولت‌های حاکم واگذار کرد. این منافع شامل صلح و امنیت بین‌المللی، همکاری میان کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته، حفاظت از محیط زیست، میراث مشترک بشریت و حمایت از حقوق بشر می‌شوند (Simma, 1994: 235). از این منظر، جدا از محدودیت‌های حاکم بر حقوق بین‌الملل ناشی از حاکمیت و رضایت دولت‌ها در قبول تعهدات بین‌المللی، در زمینه‌هایی از حقوق بین‌الملل که با منافع جمعی بشر سروکار دارند، پیشرفت‌هایی حاصل شده است. این پیشرفت‌ها ناظر بر تعیین تعهدات فراسرزمینی دولت‌ها، تعهد به همکاری، تصمیم‌گیری مشترک و ایجاد ساختارها و نهادهای جدید به‌منظور تحقق هدف‌ها و تعهدات مورد توافق‌اند. توسعه و تحول حقوق بین‌الملل کیفی، پذیرش اصل صلاحیت جهانی، تعبیر جدید از مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی و مواردی از این دست، شواهدی از این پیشرفت‌های حقوقی به‌شمار می‌آیند.^۳

۱. در ادبیات حقوقی به زبان‌های خارجی، شماری از نویسندگان سرشناس، درصدد شفاف‌سازی مفهوم و کاربرد «نگرانی‌های مشترک بشری» و همچنین پیوستگی و نزدیکی آن با سایر مسائل بین‌المللی برآمده‌اند. از جمله آنان می‌توان به Ellen Hey, Jutta Brunnee, Alan Boyle, Edith Brown Weiss, Laura Horn, Alexandre Kiss, Thomas Cottier, Dinah Shelton و Antônio Augusto Cançado Trindade اشاره کرد. در این پژوهش نیز از این آثار علمی بهره برده شده است.

۲. ر.ک: حبیب‌زاده و منصور، ۱۳۹۲.

۳. در سال‌های اخیر، شورای امنیت سازمان ملل متحد در قالب حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اقدامات مختلفی را

حقوق نرم نیز در بستر تحولات اخیر در تلاش است تا چنین مسئولیت‌هایی را متوجه بازیگران غیردولتی سازد.

از تازه‌ترین جلوه‌های این طرز نگاه به منافع مشترک، در نظر مخالف قاضی تریند/د در رأی مورخ ۵ اکتبر ۲۰۱۶ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه جزایر مارشال علیه بریتانیای کبیر، پاکستان و هند،^۱ نمود یافته است. در حوزه تعهد به خلع سلاح هسته‌ای که با صلح و امنیت بین‌المللی و حفظ حیات کلیه انسان‌ها پیوند خورده، قاضی تریند/د معتقد است: «... پرونده حاضر، در راستای رویکردی انسان‌محور به جای رویکردی حاکمیت‌محور و بین‌دولتی، نیازمند تمرکز بر نوع بشر است. مکانیزم بین‌دولتی احقاق حق در قضایای ترافی دیوان نباید صرفاً به اتخاذ رویکردی بین‌دولتی در استدلال دیوان منجر گردد، زیرا خلع سلاح هسته‌ای موضوعی دارای جنبه نگرانی بشریت در کل است».^۲ از این رو آنچه ضروری است، توجه به منافع مشترک جامعه بین‌المللی در کل است که از روابط متقابل میان دولت‌ها فراتر رفته و مستلزم اتخاذ دیدگاهی مترقیانه به الزامات زیست‌جمعی بین‌المللی است.

حفاظت جهانی از محیط زیست نیز همانند حمایت از حقوق بشر و ملاحظات اولیه انسانی، یکی از منافع متعلق به جامعه بین‌المللی محسوب می‌شود، چراکه حفاظت از محیط زیست، حراست از زندگی تمام انبای بشر را در پی دارد. امروزه مسائل مشترک زیست‌محیطی در سراسر کره زمین نمود روزافزون یافته‌اند؛ افزایش دمای زمین، بالا آمدن سطح دریاها، خطر غرق شدن دولت‌های جزیره‌ای کوچک (رنجیربان و ارغنده پور، ۱۳۹۱: ۸۵)، رو به نابودی بودن بسیاری از گونه‌های گیاهی و جانوری، فرسایش لایه ازن بر اثر فعالیت‌های صنعتی و انسانی، تخریب جنگل‌ها، آلودگی آب‌ها و ریزش باران‌های اسیدی، مشکلاتی‌اند که دولت‌ها با هدف چیرگی بر آنها ناگزیر از مشارکت و همفکری با یکدیگر خواهند بود.

همچون معاهدات حقوق بشری، معاهدات زیست‌محیطی نیز در بردارنده تعهدات متقابل و مبتنی بر مزایای دوجانبه نیستند، زیرا هیچ دولتی به تنهایی در قبال این تعهدات مسئول نیست و منافع تمامی دولت‌ها در این خصوص مدنظر خواهد بود (Boyle, 1991: 229). بنابراین، ثمربخشی حفاظت جهانی از محیط زیست تنها با استناد به اصل تقابل که بر مفهوم برابری مطلق دولت‌ها استوار است، قابل تحقق نخواهد بود.

اصل اول اعلامیه ۱۹۹۲ ریو در خصوص توسعه و محیط زیست و توسعه «بشریت را مرکز

انجام داده است که از آن جمله‌اند ارجاع وضعیت دارفور سودان (طی قطعنامه ۱۵۹۳ سال ۲۰۰۵) و لیبی (طی قطعنامه ۱۹۷۰ سال ۲۰۱۱) به دیوان بین‌المللی کیفری، و تجویز توسل به زور در راستای اعمال دکتین مسئولیت حمایت (طی قطعنامه ۱۹۷۳ سال ۲۰۱۱) در ناآرامی‌های داخلی لیبی.

1. ICJ, *Obligations concerning Negotiations relating to Cessation of the Nuclear Arms Race and to Nuclear Disarmament* (Marshall Islands v. United Kingdom), Judgment of 5 October 2016.
3. *Ibid*, Dissenting Opinion of Judge Cançado Trindade, Para. 319.

نگرانی‌های مربوط به توسعه پایدار می‌داند». این اصل مؤید این برداشت است که «در دوره جدید حقوق بین‌الملل، تنها منافع دولت‌ها مدنظر نیست، بلکه فراتر از آن، منافع بشر و رفاه کره زمین در مرکز توجه قرار دارد».^۲ این عبارات دو نگرانی مطرح در عرصه حقوق محیط زیست جهانی را، نشان می‌دهد؛ منافع انسان و منافع بشر در کل.

دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در قضیه صید نهنگ در قطب جنوب (استرالیا علیه ژاپن با ورود ثالث نیوزلند مورخ ۳۱ مارس ۲۰۱۴)،^۳ با موضوع حفاظت از این قبیل منافع مشترک زیست‌محیطی مواجه بوده است.^۴ در همین زمینه قاضی ترینداد در نظر مخالف خود خاطر نشان می‌سازد که پرونده حاضر موقعیت استثنایی را جهت پیش‌بینی نظامی متشکل از قواعد جمعی زیست‌محیطی با رویکرد انتفاع نسل‌های آینده برای دیوان فراهم آورده است.^۵ وی اضافه می‌کند که در حوزه محافظت و استفاده پایدار از منابع زنده دریایی، حقوق اجتناب‌ناپذیر یا الزامی،^۶ فراتر از اراده آزاد دولت‌ها^۷ در پاسداری از مشترکات عمومی نمود خواهد داشت.^۸ همسو با ضرورت‌های پیش‌گفته، در حقوق بین‌الملل محیط زیست و در ازای حفاظت از ارزش‌های مشترک و جهانی، دکترین و مفاهیم حقوقی جدیدی وارد گفتمان حقوق بین‌الملل شده است. معاهدات متعددی نیز به تصویب رسیده که در آن اصطلاح «میراث مشترک بشریت»^۹

1. United Nations Conference on Environment and Development (UNCED), (Rio Declaration), UN Doc A/CONF.151/26 (1992), 31 ILM 874, principle 1.
2. ICJ, Case Concerning the Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia), 1977 ICJ Rep. 7, separate opinion of Vice-President Weeramantry, para. C(c).
3. ICJ, *Whaling in the Antarctic* (Australia v. Japan: New Zealand intervening) Judgment of 31 March 2014.
4. در این پرونده، آنچه می‌بایست در کانون توجه قرار می‌گرفت، حفاظت از منابع نهنگ قطب جنوب در برابر صید و نابودی بود؛ هرچند این مهم در رای صادره محقق نشد، در نظرهای قضات دیوان به‌خوبی قابل ملاحظه بود.
5. *Ibid*, *Dissenting Opinion of Judge Cançado Trindade*, para 87.
6. Jus Necessarium.
7. Jus Voluntarium.
8. *Ibid*, Paras. 89-90.
9. Common Heritage Of Mankind.

مفهوم «میراث مشترک بشریت» به نماینده کشور مالت، آروید پارود، منتسب است که در سال ۱۹۶۷ پیشنهاد کرد که حقوق دریاها باید مبتنی بر اصل میراث مشترک بشریت باشد نه اصل آزادی دریاها. در نهایت ماده ۱۳۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، اعماق دریا و اقیانوس، خارج از محدوده صلاحیت ملی و منابع آن را میراث مشترک بشریت اعلام کرد. در سال ۱۹۷۹ موافقت‌نامه حاکم بر فعالیت‌های دولت‌ها در ماه و دیگر اجرام آسمانی، ماه و منابع آن را نیز میراث مشترک بشریت شناخت (ماده ۱۱۱(۱)). در سال ۱۹۸۲ پیشنهاد شد که جنوبگان نیز به‌عنوان میراث مشترک بشریت شناسایی شود. طی سالیان، مفهوم میراث مشترک بشریت در سطح دکترین، به گستره بیشتری از منابع و محدوده‌ها مانند ماهیگیری، قطب شمال، منابع ژنتیک گیاهی و حیوانی و منابع اصلی غذایی، میراث فرهنگی و طبیعی جهانی، تنوع فرهنگی و ژنوم انسانی تسری یافته است.

«منافع مشترک»^۱ و همچنین مفهوم «نگرانی‌های مشترک بشری»^۲ به کار رفته است. در واقع می‌توان گفت آنچه به‌عنوان ملاحظات اولیه و منافع مشترک بشری شناخته می‌شد، امروزه از منشأ ابتدایی و زمینه‌های تاریخی خود یعنی حقوق بشردوستانه و حقوق بشر فاصله گرفته و به شاخه‌های دیگری از حقوق بین‌الملل، از جمله حقوق بین‌الملل محیط زیست گسترش یافته است. یکی از جدیدترین این تحولات، مفهوم «نگرانی‌های مشترک بشری» و آثار حقوقی برخاسته از آن است.

ظهور مفهوم «نگرانی‌های مشترک بشری» در حقوق بین‌الملل محیط زیست

مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری به‌عنوان مفهومی زیست‌محیطی، حیات خود را در دوران گذار از مفهوم سنتی حاکمیت میان دولت‌ها آغاز کرد (Stark & Shearer, 1994: 91). این مفهوم، اصل حاکمیت را در لوای وابستگی متقابل دولت‌ها در موضوعات زیست‌محیطی جهانی با محدودیت‌هایی مواجه کرده (Adami, 1990: 11) و در ارائه تعبیری مسئولانه از حاکمیت دولت‌ها نقش داشته است. در حقیقت، مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری با هدف همکاری دولت‌ها به نفع جامعه بین‌المللی، موازنه‌ای را میان اصل حاکمیت و حمایت‌های زیست‌محیطی فراهم کرده و به‌عنوان مکمل اصل تعیین سرنوشت و حاکمیت مطلق بر منابع طبیعی کشورها عمل کرده است (Barbosa, 1990: 31). اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم نیز با تعادل مذکور، در یک راستا قرار می‌گیرد (Stec, 2010: 373-377).^۳

1. Common Interests.

مفهوم «منافع مشترک» که نخستین بار در معاهدات ناظر بر بهره‌برداری از منابع طبیعی مشترک ظهور یافت، بهره‌برداری از این منابع مشترک را -که نه تنها منافع کشورهای متعاقد بلکه منافع و ارزش‌های جهانی‌اند- با سایر اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست نظیر احتیاط و انصاف بین نسلی و فرانسلی پیوند زده است. کنوانسیون بین‌المللی صید نهنگ (واشنگتن ۱۹۴۶) برای نخستین بار در مقدمه خود به «منافع جهانی در حفاظت از منابع طبیعی برای نسل‌های آینده» اشاره کرد. نمونه‌های دیگری از کاربرد این مفهوم را می‌توان در کنوانسیون ۱۹۵۲ توکیو در خصوص ماهیگیری از دریای آزاد در اقیانوس آرام شمالی، معاهده ۱۹۵۹ قطب جنوب، کنوانسیون ۱۹۸۰ کانبرا در خصوص محافظت از منابع زنده دریایی قطب جنوب، پروتکل ۱۹۹۱ مادرید در خصوص محافظت زیست‌محیطی از قطب جنوب، کنوانسیون آفریقایی محافظت از طبیعت و منابع طبیعی ۱۹۶۸، کنوانسیون ۱۹۷۹ بن در خصوص محافظت از گونه‌های مهاجر حیوانات وحشی، کنوانسیون ۱۹۷۹ محافظت از حیات وحش و زیست‌بوم‌های طبیعی اروپایی و کنوانسیون ۱۹۹۲ پاریس در خصوص محافظت از محیط زیست دریایی در شمال شرق اقیانوس اطلس مشاهده کرد.

2. Common Concerns Of Humanity.

۳. اصل ۲۱ اعلامیه ملل متحد در خصوص محیط زیست بشری (اعلامیه استکهلم) مقرر می‌دارد: «دولت‌ها به موجب منشور ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل، در خصوص بهره‌برداری از منابع، مطابق سیاست‌های توسعه و زیست‌محیطی خود از حقوق حاکمه برخوردارند، اما موظف به تضمین این امر هستند که اقدامات

امروزه اقدامات داخل در حوزه صلاحیت دولت‌ها صرفاً محیط زیست دولت مربوط را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد، بلکه بر دولت‌های همسایه و محیط زیست جهانی نیز اثرگذار است (Horn, 2007: 58). براساس این برداشت، مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری در مفهوم موسع بر جنبه‌های وسیعی از تهدیدهای زیست‌محیطی قابل اعمال است. همچنان‌که تسری مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری بر سایر عرصه‌های حقوق بین‌الملل مانند سلامت، حقوق بین‌الملل کیفری، مقابله با تروریسم و قاچاق مواد مخدر نیز به دور از احتمال نیست (Kiss, 2003: 7).

تاریخچه پیدایش مفهوم «نگرانی‌های مشترک بشری»

مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری، مفهومی جدید است که حدود دو دهه قبل به‌عنوان یک مفهوم زیست‌محیطی در روند مذاکرات مربوط به آثار گازهای گلخانه‌ای در جامعه بین‌المللی ظاهر شد. سال ۱۹۸۸، در قطعنامه شماره ۴۳/۵۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، موضوع تغییر اقلیم به‌عنوان نگرانی مشترک بشری شناخته شد.^۱ پس از آن، این مفهوم در دیگر قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد^۲، کنفرانس‌ها، اعلامیه‌ها و گزارش‌های بین‌المللی متعدد دیگری نیز مورد اشاره قرار گرفت.^۳

از سال ۱۹۹۰-۱۹۹۱ برنامه زیست‌محیطی سازمان ملل متحد (UNEP) جمعی از متخصصان بین‌المللی را به‌منظور تعیین حدود نگرانی‌های مشترک بشری به‌عنوان یک مفهوم در حقوق بین‌الملل محیط زیست به‌کار گمارد. گروه کارشناسان، اندکی پس از نشست سال ۱۹۹۰ در مالتا، در سال ۱۹۹۱ در ژنو بار دیگر گرد هم آمدند و در این شرایط توافق کردند که «توجه بیشتری از سوی جامعه بین‌المللی به مقوله حمایت زیست‌محیطی از مشترکات جهانی معطوف شود. کرامت حیات در محیط زیستی پاک، ایمن و سالم برای همگان، باید به نگرانی مشترک بشری بدل شود».^۴

نشست آخر کارشناسان مذکور، پیش از کنفرانس ملل متحد در خصوص محیط زیست و

داخل در قلمرو صلاحیت و کنترلشان سبب ایراد آسیب به محیط زیست سایر کشورها یا مکان‌هایی فراتر از مرز صلاحیت‌های ملی آنان نخواهد شد».

1. UN Doc A/Res/43/53 (1988).

2. UN Doc A/Res/44/207 (1989), UN Doc A/Res/ 45/212 (1990).

۳. برای مثال می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

the Beijing Ministerial Declaration adopted at the Ministerial Conference 18-19 June 1991; the Noordwijk Declaration by the Ministerial Conference on Atmospheric Pollution and Climate Change 6-7 November, 1989; Ministerial Declaration of the Second World Climate Conference 7 November 1990.

4. Report of the II Meeting of the UNEP Group of Legal Experts to Examine the Implications of the 'Common Concern of Mankind Concept' in Relation to Global Environmental Issues (Geneva, 20-22 March 1991).

توسعه (۱۹۹۲ ریودوژانیرو)، در سال ۱۹۹۱ در پکن برگزار شد. خلاصه گزارش گروه اذعان می‌داشت که «مفهوم تازه ظهور نگرانی‌های مشترک بشری، جهت برخورداری از پذیرش عمومی در قبال مسائل زیست‌محیطی جهانی، از مبنای موسع و انعطاف کافی برخوردار است... این مفهوم باید در خصوص دو مقوله محیط زیست و توسعه در نظر گرفته شود»^۱. سرانجام، این مفهوم در مقدمه دو سند الزام‌آور یعنی کنوانسیون ساختاری ملل متحد در خصوص تغییر اقلیم و کنوانسیون تنوع زیستی انعکاس یافت.^۲

پس از دو معاهده یادشده، معاهده بین‌المللی منابع ژنتیک گیاهی برای غذا و کشاورزی (۲۰۰۱) و کنوانسیون یونسکو در خصوص حفاظت از میراث ناملموس فرهنگی (۲۰۰۳)، از دیگر کنوانسیون‌هایی بودند که به‌طور خاص به اصطلاح نگرانی‌های مشترک بشری اشاره کردند (Hunter et al., 2002: 397). برخی دیگر از اسناد حقوقی ناظر بر بهره‌برداری از منابع طبیعی^۳ و محیط زیست به‌طور عام^۴ نیز بر مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری تأکید، و در کنوانسیون‌های ناظر بر مبارزه با بیابان‌زایی (۱۹۹۴) و تخریب لایه ازن (۱۹۸۷) بدون تصریح بر اصطلاح نگرانی‌های مشترک بشری، به مفهوم این‌گونه نگرانی‌ها دلالت شده است (Werksman, 1995: 41). دکتربین نیز تلاش‌هایی را به‌منظور گسترش دامنه شمول این مفهوم به سایر زمینه‌ها انجام داده است (Brown Weiss, 2012: 165).^۵

با توجه به تحولات ذکرشده، قلمروهای مرتبط با نگرانی‌های مشترک بشری در حقوق بین‌الملل محیط زیست در دو دسته کلی قابل تقسیم‌بندی است:

قلمروهای مشترک زیست‌محیطی خارج از محدوده حاکمیت دولت‌ها: شامل حقوق دریاها و منابع جاندار دریایی، فضای ماورای جو، و جنوبگان. در این قلمروها مفهوم نگرانی‌های مشترک

1. UNEP, *Beijing Symposium on Developing Countries and International Environmental Law* (Beijing, China, 12-14 August 1991), P. 4.

۲. درج مفهوم میراث مشترک بشریت در این دو کنوانسیون به دو دلیل در مذاکرات مقدماتی پذیرفته نشد: نخست، نگرانی دولت‌های در حال توسعه از دخالت‌های گسترده و اعمال کنترل نهادهای بین‌المللی اداره‌کننده مناطق و منابع مشترک بین‌المللی در قلمرو حاکمیتشان؛ و دوم، مخالفت دولت‌های توسعه‌یافته با نظام تقسیم منافع مستتر در مفهوم میراث مشترک بشریت. لذا هر دو دسته این دولت‌ها، انتخاب یک مفهوم مبهم مانند «نگرانی مشترک» را مورد تأیید خود قرار دادند.

3. *Latin American and Caribbean Summit, Declaration of Brasilia on the Environment*, 1989; preamble of the *North-East Atlantic Fisheries Convention* (London) 486 UNTS 158.

4. *Langkawi Declaration on the Environment*, 25 October 1989; *Declaration of the UNGA Special Session on Development Co-operation*, 1 May 1990; *Draft International Covenant on Environment and Development* (IUCN Commission on Environmental Law and International Council of Environmental Law), February 1995.

۵. برای مثال در زمینه دسترسی و کیفیت آب شیرین که به عقیده برخی صاحب‌نظران باید در زمره نگرانی‌های مشترک بشری قرار گیرد. در این خصوص ر.ک:

Edith Brown, Weiss, *International Law for a Water-Scarce World*, Leiden: Hague Academy International Law, Martinus Nijhoff, 2013.

بشری برای ایجاد تعادل میان بهره‌برداری مؤثر از میراث مشترک بشریت و مسئولیت به حفاظت از محیط زیست و منابع موجود در مقابل آلودگی و هر گونه آسیب زیست‌محیطی، مصداق می‌یابد.^۱ قلمروهای مشترک زیست‌محیطی در پیوند با حاکمیت‌های ملی: یعنی حمایت از میراث فرهنگی جهانی، هواکره و اقلیم، تنوع زیستی و منابع حیاتی. در چنین قلمروهایی مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری از رهگذر معاهدات و توافق‌های نامبرده میان دولت‌ها قابل شناسایی است. اما، اگر انسان به تهدید و تخریب محیط زیست پایان ندهد، مصداق این نگرانی‌های مشترک همچنان افزایش خواهند یافت.

تعریف مفهوم «نگرانی‌های مشترک بشری»

آنچه سبب می‌شود موضوعی به یکی از نگرانی‌های مشترک بشری بدل شود، در اهمیت ذاتی آن نهفته است. البته، اهمیت یک مسئله ممکن است آن را به نگرانی بدل کند، اما الزاماً به معنای این نیست که این نگرانی در زمره «نگرانی‌های مشترک بشری» قرار گیرد. در واقع، نگرانی‌های مشترک بشری آن دسته مسائلی‌اند که قلمرو و مرزهای یک کشور را در هم می‌نوردند و نیازمند اقدام مشترک دولت‌ها هستند؛ هیچ دولتی به تنهایی قادر نیست مشکلات برآمده از آن را حل کند و هیچ دولتی نیز به تنهایی از منافع برخاسته از آن منتفع نمی‌شود. این نگرانی‌ها متعلق به جامعه بین‌المللی در کل است و اعضای این جامعه نیز نه تنها دولت‌ها، بلکه سازمان‌های بین‌الدولی، غیردولتی، شرکت‌ها و افرادند. بدین ترتیب، نگرانی‌های مشترک به جای تقسیم منافع حاصل از استخراج منابع مشترک، بر تقسیم عادلانه بار مسئولیت در حفاظت از محیط زیست تأکید دارند (Shelton, 2009: 33-34).

با این حال، تعریف مشخص و همچنین عزم قاطعی در خصوص دلالت حقوقی نگرانی‌های مشترک بشری در حقوق بین‌الملل محیط زیست وجود ندارد، ولی مفهوم مذکور از ترکیب سه جنبه بسیار مهم زیر تشکیل شده است که می‌توانند تا حدودی معرف آن باشند: مکانی، زمانی و اجتماعی.

از بُعد مکانی این مفهوم متضمن مشارکت تمامی دولت‌ها به منظور حفاظت از نگرانی‌های

۱. چنین برداشتی از نظریه مشورتی سال ۲۰۱۱ شعبه بستر دریاها در دیوان بین‌المللی حقوق دریاها و همچنین اختلافاتی که در خصوص مفهوم میراث مشترک بشریت در جنوبگان و فضای ماورای جو وجود دارد، قابل نتیجه‌گیری است. هرچند، چنین اختلافاتی مانع از تلقی وجود یک رویکرد اشتراکی جهت بهره‌مندی و محافظت از محیط زیست این مناطق نخواهد بود؛ ر.ک:

ITLOS, *Responsibilities and Obligations of States Sponsoring Persons and Entities with respect to Activities in the Area (Advisory Opinion)* (International Tribunal of the Law of the Sea, Seabed Disputes Chamber, Case No 17, 1 February 2011).

همچنین ر.ک: عباسی و رستمی، ۱۳۹۴: ۳۸-۳۶؛ طلایی و منصور، ۱۳۸۵: ۹۷-۱۲۵.

مشترک زیست‌محیطی است، چه این نگرانی‌ها خارج از محدوده صلاحیت و کنترل دولت‌ها واقع شده باشند و چه داخل در آن (Tolba, 1991: 239; Shelton, 2003: 42). از بُعد زمانی، نگرانی‌های مشترک دربردارنده «آثار طولانی‌مدت ناشی از چالش‌ها و مخاطرات زیست‌محیطی عمده و گسترده‌ای است که علاوه بر حقوق و تعهدات نسل حاضر، نسل‌های آینده را نیز متأثر می‌سازد» (Tolba, 1991: 239). از این رو نسل حاضر در مقابل نسل آینده، به لحاظ اخلاقی و حقوقی متعهد است که به محافظت از محیط زیست و نگرانی‌های مشترک بشری ملتزم و پایبند باشد.

بعد سوم نگرانی‌های مشترک بشری، جنبه اجتماعی آنهاست که خواستار مشارکت تمامی ساختارها و بخش‌های مختلف اجتماع در روند مقابله با مخاطرات زیست‌محیطی جهانی است. این ساختارها شامل قوای مقننه، قضاییه و مجریه، همچنین بخش خصوصی، سازمان‌های غیردولتی و نهادهای شهروندی می‌شود (Tolba, 1991: 239). مشارکت مذکور، صرفاً به معنای اطلاع‌رسانی در خصوص محیط زیست به گروه‌ها، سازمان‌ها و افراد نیست، بلکه مشارکت مردم در روند تصمیم‌گیری به‌ویژه در خصوص زیست‌بوم محلی آنها^۱، و ایجاد تعهدات و مسئولیت‌هایی خطاب به افراد و گروه‌های درگیر^۲ را نیز شامل می‌شود (Boer, 1995: 332).

عناصر سازنده مفهوم «نگرانی‌های مشترک بشری»

در کنار ابعاد مفهوم نگرانی مشترک بشری، ضروری است به واژگان سازنده این مفهوم که مکمل تعریف آن‌اند نیز توجه کنیم. واژه «نگرانی» متضمن اقدام مشترک و هماهنگ کشورها در مواقع تصمیم‌گیری و اتخاذ عمل است (Tolba, 1991: 244). این نگرانی‌ها در نتیجه سهم متفاوت کشورها در تخریب محیط زیست شکل می‌گیرند و در نهایت به مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت میان کشورها منتهی می‌شوند. این عبارت همچنین به منزله پلی میان حمایت‌های حقوق بشری و حفاظت از محیط زیست است؛ حفاظتی که در معنای موسع، از حقوق بنیادین بشر نسبت به حیات و سلامت بشری نشأت می‌گیرد (Trindade & Attard, 1990: 27-32). در نتیجه، «نگرانی‌های مشترک به معنای اقدامات مشترک برای دستیابی به اهداف مشترک خواهد بود» (Timoshenko, 1991: 39).

در خصوص واژه «مشترک» نیز گفته می‌شود که این واژه مشابه و هم‌تراز با «منافع مشترک»، دربرگیرنده تمامی اعضای جامعه بین‌المللی در کل است. واژه «بشریت»، که مناقشه‌برانگیزترین واژه این اصطلاح و معرف ارتباط بین نسل حاضر و آینده است، می‌تواند با

1. Agenda 21, vol 2, para 23.2; Rio Declaration, Principle 10.

2. Agenda 21, vol 2, para 23.2 .

مطرح کردن بازیگران جدیدی در این زمینه، فضای جدیدی را در عرصه حقوق بین‌الملل ایجاد کند.

با توضیحاتی که از نظر گذشت، عناصر سازنده مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری عبارت‌اند از: ۱. تمرکز مفهوم مذکور بر مسائل بنیادین متعلق به کل بشریت، در راستای مفهوم اشتراک یا مشترکات؛ ۲. مشارکت الزامی تمامی دولت‌ها، جوامع و بخش‌های مختلف اجتماع در برخورد با نگرانی‌های مشترک؛ ۳. آثار بلندمدت نگرانی‌های مربوطه که شامل حال نسل‌های فعلی و آتی می‌شود؛ ۴. تأکید مفهوم مورد نظر بر عنصر احترام و حفاظت، بر مبنای ملحوظ دانستن بشریت، نظم عمومی و پیشی گرفتن از مفهوم روابط متقابل؛ ۵. توجه ابتدایی به علل و دلایل مشکلات به‌سبب ضرورت پیشگیری و پاسخگویی بدان‌ها؛ و ۶. تقسیم منصفانه و برابر مسئولیت‌ها در تحقق و اعمال مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری (Trindade, 2010: 395-396).

مقایسه مفهوم و اهداف «نگرانی‌های مشترک بشری» و «میراث

مشترک بشریت»

از آنجا که در حقوق بین‌الملل محیط زیست دو مفهوم میراث مشترک و نگرانی‌های مشترک بشری از قرابت بیشتری با یکدیگر برخوردارند، بررسی رابطه و تعامل میان این دو مفهوم و تفاوت‌های موجود میان آنها به شناخت بهتر و درک هدف نهایی از پیدایش مفهوم نگرانی‌های مشترک منجر خواهد شد.

به لحاظ مبنایی، علت وجودی مفهوم میراث مشترک بشریت از به‌هم‌پیوستگی و انسجام موضوعات بشری نشأت گرفته و مبتنی بر اصول عدم تملک، استفاده با اهداف صلح‌آمیز، بهره‌برداری منطقی، و تقسیم منصفانه و برابر منافع برخاسته از آن برای همگان است (Lodge, 2012: 734-375).^۱ با توضیحات پیش‌گفته در خصوص ابعاد و عناصر سازنده مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری، وجوه بارز تمایز میان این دو مفهوم را می‌توان چنین یافت:

عنصر تمایز نخست میان این دو مفهوم، محدوده سرزمینی است. میراث مشترک بشریت به مناطق فراتر از قلمرو صلاحیت سرزمینی کشورها و منابع موجود در آن ارتباط دارد، درحالی‌که نگرانی مشترک بشری محدوده وسیع‌تری دارد و مناطق ماورای قلمرو صلاحیت سرزمینی

۱. به لحاظ سابقه تاریخی، اصل تقسیم عادلانه، سبب اصلی درگیری و مناقشه میان دولت‌های توسعه‌یافته و در حال توسعه بوده است. بنابراین، تعجب‌برانگیز نیست که یکی از تعبیر به‌کاررفته در مفهوم میراث مشترک بشریت، یعنی عبارت «میراث»، در حوزه حقوق بین‌الملل محیط زیست به اصطلاح دیگری تحت عنوان «نگرانی‌های مشترک بشری» بدل شده است. هدف این بوده تا مفهوم جدید شامل تعهد به بهره‌برداری، تقسیم منابع و منافع برخاسته از آن نباشد.

دولت‌ها و همچنین مناطق داخل در صلاحیت سرزمینی دولتی خاص را نیز در برمی‌گیرد. دومین جنبه از تفاوت این دو مفهوم، محدودهٔ مصادیق تحت شمول آنهاست. محور اصلی تمرکز میراث مشترک بشریت، مناطق خارج از صلاحیت ملی کشورها و منابع موجود در آنهاست. در عوض، نگرانی‌های مشترک بشری بر موضوعات حائز اهمیت و نگرانی از سوی نوع بشر متمرکز است که مصادیق آن پیوسته در حال افزایش‌اند.

به‌نقل از عده‌ای از حقوقدانان، سومین عامل عدم تشابه این نکته است که «میراث مشترک بشریت با تقسیم عادلانه منافع سروکار دارد؛ اما، نگرانی‌های مشترک بشری بر تسهیم عادلانه همکاری، مشارکت و حل مشکلات تمرکز دارد» (Bodansky et al., 2007: 566). چنین تعهدی، در اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در حقوق بین‌الملل محیط زیست منعکس شده است.

با این اوصاف، می‌توان گفت که این دو مفهوم از یکدیگر متمایزند^۱؛ مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری، راه‌حلی برای رفع عدم تفاهم میان کشورهاست تا بدون مداخله در حاکمیت یکدیگر و تعهد به سیستم تقسیم منافع (برگرفته از مفهوم میراث مشترک بشریت)، بهترین روش را برای حمایت و حفاظت از محیط زیست بین‌المللی برگزینند (Chavarro, 2013: 133-147).

به هر روی، با وجود تفاوت‌های یادشده، نمی‌توان منکر ارتباط و همزیستی میان این دو مفهوم شد.^۲ هر دوی این مفاهیم، در خصوص بهره‌برداری‌های پایدار از طبیعت، با اهداف، حمایت‌ها و مراقبت‌های مشابهی وضع شده‌اند. هر دو مفهوم از نظام اشتراک (توزیع) منصفانه بهره می‌برند؛ یکی با اشتراک منافع و دیگری با تقسیم تعهدات و همکاری‌ها سروکار دارند. از آنجا که قلمرو مفهوم نگرانی‌های مشترک وسیع‌تر از میراث مشترک بشریت بوده و با کل جامعهٔ بین‌المللی سروکار دارد، ممکن است برخی مصادیق میراث مشترک بشریت تحت شمول مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری نیز قرار گیرد (Bowling et al., 2016: 4).^۳ منتها توضیحات

۱. برای مطالعهٔ بیشتر در این خصوص ر.ک:

Brunnée, Jutta, "Common Areas, Common Heritage and Common Concern", in Bodansky, D., Jutta Brunnée and Ellen, Hey (eds.) *The Oxford Handbook of International Environmental Law*, Oxford University Press, 2007, pp. 550-573.

۲. با وجود تفاوت‌های بین این دو مفهوم، برخی بر این باورند که میراث مشترک و نگرانی مشترک کاملاً یکسان‌اند و می‌توانند مترادف یکدیگر به‌کار روند، مثلاً قطعنامهٔ ۴۳/۵۳ «تأکید می‌کند که اقلیم آب‌وهوایی، میراث مشترک بشریت و همزمان اعلام می‌دارد که تغییر اقلیم نگرانی مشترک بشری است». در این خصوص ر.ک: Chowdhury, Subrata Roy, 1992: 140.

هوهمان و دوپویی نیز بین این دو مفهوم تفاوتی قائل نیستند:

Dupuy, Pierre-Marie, 1991: 427.
Hohman, Harald, 1992: 278.

۳. برای مثال، خطر انقراض نهنگ‌ها و پستانداران موجود در دریاها از مصادیق نگرانی‌های مشترک بشری محسوب می‌شود. اصولاً، در قرن بیستم معاهدات ناظر بر منابع مشترک جهانی به‌نوعی متضمن مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری نیز بوده‌اند. حفاظت از نهنگ‌ها و پستانداران موجود در دریاها از آزاد نیز

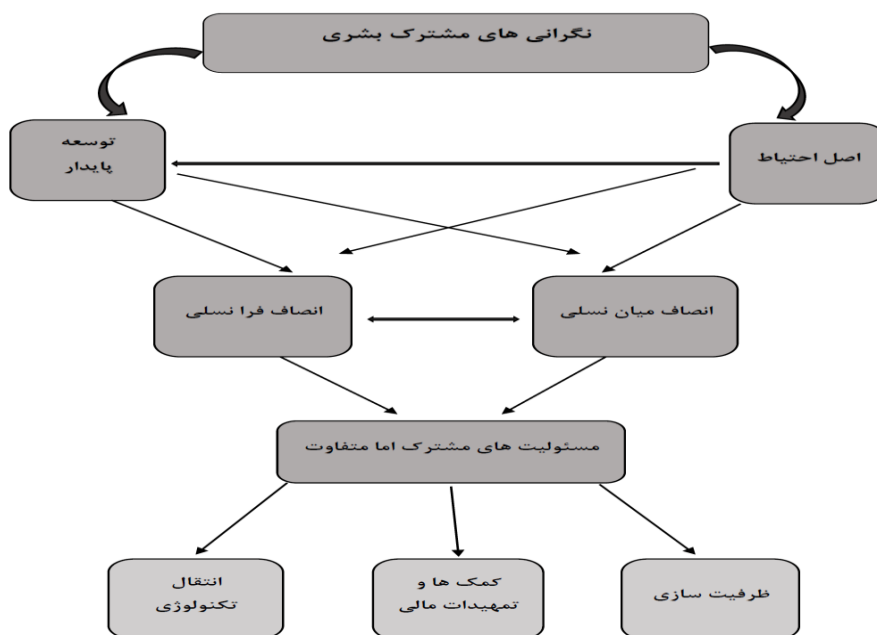
یادشده مؤید این است که هدف از شکل‌گیری مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری ایجاد جایگزینی برای میراث مشترک بشریت نبوده است (Trindade, 2010: 390). دو مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری و میراث مشترک بشریت، که هر دو به واژه‌نامه حقوق بین‌الملل عمومی وارد شده‌اند، در کنار یکدیگر به همزیستی ادامه داده و با قطعیت و هر یک به روش خود، در درک و تصور بشریت به‌عنوان دارنده حق، مشارکت خواهند کرد. این مفاهیم با هدف رویارویی با چالش‌های جامعه بین‌المللی در کل، به‌منظور فراهم آوردن پاسخ‌های رضایت‌بخشی در مورد آنها، به انجام وظیفه می‌پردازند؛ هدفی که نظام‌های حقوقی پوزیتیویستی به‌تنهایی و آسانی قادر به انجام آن نخواهند بود.

ماهیت و جایگاه «نگرانی‌های مشترک بشری» در حقوق بین‌الملل (محیط زیست)

به‌رغم ورود مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری به گفتمان حقوق بین‌الملل، ماهیت و جایگاه آن هنوز به‌طور دقیق مطرح نشده است. در برخی نوشته‌ها این مفهوم به‌عنوان یک بنیان بالقوه حقوق بشری برای محیط زیست در نظر گرفته شده است (Horn, 2004: 233-269). در برخی نوشته‌ها نیز، بنیانی برای حمایت عام از حقوق بین‌الملل بشر محسوب گشته است (Beitz, 2001: 269-281). همین تعبیر، مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری را با مفهوم انصاف بین‌نسلی و فرانسلی مرتبط می‌سازد و زمینه را برای تلقی آن به‌عنوان اصلی هدایتگر در حقوق بین‌الملل محیط زیست، در ارتباط با سایر مفاهیم اصلی این حقوق، یعنی احتیاط، توسعه پایدار و مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت فراهم می‌کند (Trindade, 1992: 251; Birnie & Boyle, 2009: 97-98).

به‌نظر می‌رسد که در خصوص ماهیت و جایگاه مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری مناقشات زیادی در سطح آکادمیک وجود دارد. این مفهوم، دست‌کم تا تعیین دقیق ماهیت و جایگاه خود از رهگذر رویه قضایی بین‌المللی و اسناد الزام‌آور و غیرالزام‌آور حقوقی، می‌تواند از مجرای تعامل با اصول اساسی حقوق بین‌الملل محیط زیست و بنیان‌های بلامنزاع حقوق بشری، در حوزه‌های تحت پوشش خود به نقش‌آفرینی بپردازد. این ارتباط، سلسله‌مراتبی است که در آن، مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری به‌عنوان مفهومی فراگیر و غالب، بر عملکرد سایر اصول

اساسی زیست محیطی تأثیرگذار خواهد بود. نحوه ارتباط و سلسله مراتب نامبرده میان مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری و اصول اساسی حقوق بین‌الملل محیط زیست در نمودار زیر به خوبی قابل مشاهده است:



در موضع‌گیری برخی محافل آکادمیک، جدای از ضرورت همکاری‌های بین‌المللی، این مفهوم را به تعهدات ارگامنسی نزدیک می‌دانند که تعهد کلیه کشورهای در برابر جامعه بین‌المللی در کل تلقی می‌شود (Kirgis, 1990: 525-530; Hunter, 2002: 397)؛ هرچند در هیچ‌یک از این تحلیل‌ها، این مفهوم به خوبی و به‌طور وزین تعریف نشده است. این گروه، بر این عقیده‌اند که حفاظت و نگهداری از محیط زیست بین‌المللی تعهد در مقابل جامعه بین‌المللی در کل بوده (Shelton, 2009: 39) و در نتیجه دولت‌ها نه تنها به اصل عدم ایراد آسیب به سایرین، بلکه به اصل منع تضرر به مشترکات عمومی (مانند مقولات حائز درجه نگرانی‌های مشترک) نیز پایبند خواهند بود (Hunter, 2002: 315).

در نهایت، می‌توان گفت که هرچند این مفهوم از قرابت بالایی با سایر مفاهیم مانند میراث مشترک بشریت تعهدات ارگامنس، قواعد آمره، اصول اساسی حقوق بشر و محیط زیست برخوردار

است، هنوز به یک قاعده حقوق بین‌الملل عمومی^۱ که واضع آثار حقوقی به صورت حق و تکلیف باشد، تبدیل نشده و بیشتر در حد یک اصل راهنما باقی مانده است (Tolba, 1991: 255).

نتیجه‌گیری

نگرانی‌های مشترک بشری بر موضوعات حائز اهمیت و نگرانی از سوی نوع بشر متمرکز است. این مفهوم به‌واقع تلاشی است در جهت ترویج ارزش‌هایی که فراتر از منافع گروه کوچکی از دولت‌ها، به جامعه بین‌المللی در کل تعلق دارد. همچنین، مفهوم یادشده به‌منزله تدبیری در پاسخ به نیازها و خواسته‌های مشترک بشریت بوده و بازتابی از انسجام و مسئولیتی جهانی است که به‌جای اراده آزاد دولت‌ها، از وجدان انسانی نشأت می‌گیرد. در حال حاضر موضوعاتی مانند تغییر اقلیم و آب‌وهوا، گونه‌های در معرض خطر گیاهان و جانوران و حفاظت از تنوع زیستی در زمره این نگرانی‌ها قرار دارند؛ اما اگر انسان به تهدید و تخریب محیط زیست پایان ندهد، مصادیق این نگرانی‌های مشترک افزایش خواهد یافت.

در کل، این مفهوم برای جامعه بین‌المللی یک حق و یک تعهد را به ارمغان می‌آورد؛ حق بهره‌برداری مشروع از منابع، و مسئولیت مشترک به همکاری در حفاظت و نگهداری از همان منابع مشترک. این مفهوم، در قبال موضوعات مشترک زیست‌محیطی مبنای همکاری‌های بین‌المللی میان تمامی بازیگران عرصه حقوق بین‌الملل را فراهم کرده است. نمونه‌ای اخیر از همکاری بین‌المللی، مذاکرات پاریس در چارچوب کنوانسیون تغییر اقلیم سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵ است. این توافق‌نامه، که در مقدمه خود تغییر اقلیم را یک نگرانی مشترک برای ابنا بشر دانسته است، برای نخستین بار موجب شد که تمامی دولت‌ها برای انجام یک تکلیف مشترک براساس مسئولیت‌های تاریخی حال و آینده‌شان در کنار هم به توافق برسند.

در حال حاضر هرچند مفهوم نگرانی‌های مشترک بشری به یک قاعده حقوق بین‌الملل عمومی بدل نشده، در قالب پیشرفت‌های آتی حقوق بین‌الملل و رویه قضایی بین‌المللی، در آینده می‌تواند به اعتبار یک قاعده عرفی یا اصل کلی حقوقی دست یابد. اصول کلی حقوقی در این زمینه، به نسبت حقوق بین‌الملل عرفی مسیر امیدوارکننده‌تری را ترسیم می‌کنند؛ چراکه این اصول کلی نه‌تنها از رهگذر رویه دولت‌ها، بلکه از عملکرد سایر بازیگران بین‌المللی از جمله بازیگران غیردولتی که مستقیماً با مقوله حمایت از منافع مشترک بشری سروکار دارند، قابل حصول خواهند بود.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. جمالی، حمیدرضا (۱۳۹۰). میراث مشترک بشریت، مفهوم و کاربرد آن در حقوق بین‌الملل: اصول حاکم بر کاربرد میراث مشترک بشریت، تهران: فرهنگ شناسی.
۲. شاول، ملکم (۱۳۹۲). حقوق بین‌الملل محیط زیست، ترجمه علی مشهدی و حسن خسروشاهی، تهران: خرسندی.
۳. موسوی، فضل‌الله (۱۳۹۴). حقوق بین‌الملل محیط زیست، چ دوم، تهران: میزان.

ب) مقالات

۴. جمالی، حمیدرضا (۱۳۸۸). «نقد نظریه تاریخی حاکمیت در پرتو مفهوم میراث مشترک بشر»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ش ۳، ص ۱۰۱-۱۲۸.
۵. ----- (۱۳۸۹). «محیط زیست بین‌المللی و میراث مشترک بشریت»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، ش ۴، ص ۱۴۹-۱۱۹.
۶. جمالی، حمیدرضا (۱۳۸۹). «میراث مشترک بشریت: مفهوم و کاربرد آن در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال دوازدهم، ش ۳۱، ص ۹۲-۵۷.
۷. حبیب‌زاده، توکل، منصوری، فرنگیس (۱۳۹۲). «بازخوانی اصل میراث مشترک بشریت و تفاوت‌های آن با مفهوم نگرانی مشترک بشریت»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال ۱۴، ش ۲ (پیاپی ۳۸)، ص ۹۱-۱۲۰.
۸. رنجبریان، امیرحسین، ارغنده‌پور، نفیسه (۱۳۹۱). «پدیده دولت‌های در حال غرق: چاره‌اندیشی از نظرگاه حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال ۲۹، ش ۴۶، ص ۸۳-۱۲۴.
۹. طلائی، فرهاد، منصوری، فرنگتاج (۱۳۸۵)، «نگرشی جدید به وضعیت حقوقی قطب جنوب: قطب جنوب به‌عنوان میراث مشترک بشریت»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۰، ش ۳، ۱۳۸۵، ص ۹۷-۱۲۵.
۱۰. عباسی، بیژن؛ رستمی، مرتضی (۱۳۹۴). «ابعاد حقوقی میراث مشترک بشریت در فضای ماورای جو»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۷، ش ۲، ص ۵۹-۲۷.

A) Books

11. Birnie, Patricia and Boyle, Alan (2009). *International Law and the Environment*, Oxford University Press.
12. Bodansky, Daniel; Brunnée, Jutta and Hey, Ellen (2007). *the Oxford Handbook of International Environmental Law*, Oxford University Press.
13. Halewood, Michael; Lépez Noreig, Isabel, and Louafi, Selim (eds.) (2013). *Crop Genetic Resources as a Global Commons*, Routledge: Oxon.
14. Hunter, David; Salzman, James, and Zaelke, Durwood (2002). *International Environmental Law and Policy*, Second Edition, Foundation Press.
15. Koen De Feyter, Koen (2013). *Globalization and Common Responsibility of States*, Ashgate Publishing Company.
16. Starke, Joseph Gabriel and Shearer, Ivan (1994). *Starke's International Law*, Butterworth, 11th ed.
17. Trindade, António Augusto Cançado (2010). *construction of the international law for humankind Towards a new jus gentium*, General Course on Public International Law, the Hague academy of international law.

B) Articles

18. Adami, Edward French (1990). "Opening Address" in David Attard (ed), *The Meeting of the Group of Legal Experts to Examine the Concept of the Common Concern of Mankind in Relation to Global Environmental Issues*.
19. Barbosa, Julio (1990). "Conclusions of the Meeting", in David Attard (ed), *The Meeting of the Group of Legal Experts to Examine the Concept of the Common Concern of Mankind in Relation to Global Environmental Issues*.
20. Beitz, Charles (2001). "Human Rights as a Common Concern", *American Political Science Review* 95/2.
21. Boer, Ben (1995). "Institutionalizing Ecologically Sustainable Development: The Role of National, State and Local Governments in Translating Grand Strategy into Action" 31 *Willamette Law Review*.
22. Bowling, Chelsea, Pierson, Elizabeth, Ratte, Estephanie, (2016). "The Common Concern of Humankind: A Potential Framework for a New International Legally Binding Instrument on the Conservation and Sustainable Use of Marine Biological Diversity in the High Seas", Available at: http://www.un.org/depts/los/biodiversity/prepcom_files/BowlingPiersonandRatte_Common_Concern.pdf (last Accessed: 25 January 2017)
23. Boyle, Alan (1991). "International Law and the Protection of the Global Atmosphere: Concepts, Categories and Principles", in Robin Churchill and David Freestone, (eds) *International Law and Global Climate Change*, Graham & Trotman.
24. Boyle, Alan (1991). "Saving the world? Implementation and enforcement of international environmental law through international institutions", *Journal of Environmental law* 3.

25. Brown Weiss, Edith (2012). "The Coming Water Crisis: A Common Concern of Humankind", *Transnational Environmental Law*.
26. Brown Weiss, Edith (2014). "Nature and The Law: The Global Commons And The Common Concern Of Humankind", *Sustainable Humanity, Sustainable Nature: Our Responsibility, Pontifical Academy of Sciences, Extra Series 41*.
27. Brunnee, Jutta (2012). "The Global Climate Regime: Wither Common Concern?" in: Holger P. Hestermeyer et.al (eds.) *Coexistence, Cooperation and Solidarity*, Liber Ami corum for Rüdiger Wolfrum, Vol I, Martinus Nijhoff.
28. Chavarro, Jimena Murillo (2013). "Common Concern of Humankind and Its Implications in International Environmental Law", *Macquarie Journal of International and Comparative Environmental Law*, Vol 5.
29. Cottier, Thomas; Aerni, Philipp; Karapinar, Baris; Matteotti, Sofya; de Sépibus, Joëlle and Shingal, Anirudh (2014). "The Principle of Common Concern and Climate Change", *NCCR Trade Working Paper No 2014/18*.
30. Horn, Laura (2004). "The Implications of the Concept of Common Concern of a Human Kind on a Human Right to a Healthy Environment", *Macquarie Journal of International and Comparative Environmental Law*.
31. Horn, Laura (2007). "Globalization, Sustainable Development and the Common Concern of Humankind", *Macquarie Law Journal*, Vol 7.
32. Kirgis, Frederic L. (1990). "Standing to Challenge Human Endeavours that Could Change the Climate", *AJIL* 84.
33. Kiss, Alexandre (2003). "Economic Globalization and the Common Concern of Humanity" in Alexandre Kiss, Dinah Shelton, and Kanami Ishibashi (eds), *Economic Globalization and Compliance with International Environmental Agreements*, Kluwer Law International.
34. Lodge, W. Michael (2012). "The Common Heritage of Mankind", *the International Journal of Marine and Coastal Law* 27.
35. Shelton, Dinah (2003). "The Impact of Economic Globalization on Compliance", in Alexandre Kiss, Dinah Shelton and Kanami Ishibashi (eds), *Economic Globalization and Compliance with International Environmental Agreements*, Kluwer Law International.
36. Shelton, Dinah (2009). "Common Concern of Humanity", *Iustum Aequum Salutare*, V.1.
37. Simma, Bruno (1994). "From Bilateralism to Community Interest in International Law", *Recueil des Cours* (RdC250).
38. Stec, Stephen (2010). "Humanitarian Limits to Sovereignty: Common Concern and Common Heritage Approaches to Natural Resources and Environment", *International Community Law Review* 12.
39. Timoshenko, Alexandre (1991). "International Legal and Institutional Framework for Global Climate Change" in Toru Iwama (ed), *Policies and Laws on Global Warming: International and Comparative Analysis*.
40. Tolba, Mostafa K. (1991). "The Implication of the Common Concern of

Mankind Concept on Global Environmental Issues” Note to the Group of Legal Experts Meeting of UNEP, Malta, December 13-15, 1990, *Revista Instituto Interamericano de Derechos Humanos (Revista IIDH)*, vol.13.

41. Trindade, Antônio Augusto Cançado (1992). “The Contribution of International Human Rights Law to Environmental Protection, with Special Reference to Global Environmental Change Law” in Edith Brown Weiss (ed), *Environmental Change and International Law: New Challenges and Dimensions*.
42. Trindade, Antônio Augusto Cançado and Attard, David Joseph (1990). “Report of the Proceedings of the Meeting” in D J Attard (ed), *The Meeting of the Group of Legal Experts to Examine the Concept of the Common Concern of Mankind in Relation to Global Environmental Issues*.
43. Villalpando, Santiago (2010). “the legal dimension of the international community: how community interests are protected in international law”, *The European Journal of International Law*, Vol.21, no. 2, EJIL.
44. Werksman, Jacob (1995). “Consolidating Governance of the Global Commons: Insights from the Global Environment Facility”, *Yearbook of International Environmental Law*.

C) Documents and Cases

45. *Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage*, (17 October 2003).
46. *Convention on Biological Diversity*, in 31 I.L.M. 818, 822, (5 June 1992).
47. *Convention to Combat Desertification in those Countries Experiencing Drought and/or Desertification, Particularly in Africa*, 33 ILM 1332 (1994)
48. ICJ, *Barcelona Traction, light and power company, limited*, second phase, Judgment, ICJ reports 1970.
49. ICJ, *Case Concerning the Gabčíkovo-Nagymaros Project* (Hungary/Slovakia), 1977 ICJ Rep. 7, separate opinion of Vice-President Weeramantry.
50. ICJ, *Obligations concerning Negotiations relating to Cessation of the Nuclear Arms Race and to Nuclear Disarmament* (Marshall Islands v. United Kingdom), Dissenting Opinion Of Judge Cançado Trindade.
51. ICJ, *Whaling in the Antarctic* (Australia v. Japan: New Zealand intervening) Judgment of 31 March 2014, Dissenting Opinion of Judge Cançado Trindade.
52. International Union for the Conservation of Nature and Natural Resources, *Draft International Covenant on Environment and Development* (2004).
53. ITLOS, *Responsibilities and Obligations of States Sponsoring Persons and Entities with respect to Activities in the Area (Advisory Opinion)* (International Tribunal of the Law of the Sea, Seabed Disputes Chamber, Case No 17, 1 February 2011).
54. *Paris Agreement*, twenty-first session of the Conference of the Parties to the United Nations Framework Convention on Climate Change, C.N.63.2016.TREATIES-XXVII.7.d, (12 December 2015).

55. *Report of the United Nations Conference on Environment and Development* (UNCED) [Agenda 21], UN Doc A/CONF.151/26 (1992).
56. *Report of the United Nations Conference on Environment and Development* (UNCED), vol 1, ch 1, annex I, 'Rio Declaration on Environment and Development' [Rio Declaration], UN Doc A/CONF.151/26 (1992), 31 ILM 874, (1992).
57. *Report of the United Nations Conference on the Human Environment*, UN Doc E/73/II.A/14 (1972), 11 ILM 1416, 1419 (1972).
58. *United Nations Framework Convention on Climate Change*, 31 I.L.M. 849, 851(9 May 1992).